

میزان بیکاری کردستان بالای ۲۰ درصد است؛ بیکاری و فقر در یک سیکل غیرباطل به هجوم بیکاران به کولبری، اجناس قاچاق و فرار از فقر منتهی شوند.

مناطق مرزی ایران توسعه نیافته ترین مناطق ایران هستند؛



* دکتر سید ابوتراب فاضل

اگر ادعا می کنیم کولبران قاچاقچی هستند، چرا در اتفاق آوار شدن بهمن با آنها همنوایی می شود و اگر نیستند، پس چرا به صورت قانونی و با حفظ کرامت انسانی شان با آنها برخورد نمی شود و با اتخاذ سیاست های غلط، جمعی از شهروندانمان را به اقدام غیرقانونی در کوه ها و مسیرهای صعب العبور سوق داده ایم.

به گزارش اسپادانا خبر به نقل از روزنامه وقایع اتفاقیه، چند روزی است که آوار بهمن بر سر کولبران سردشتی به همه این فرصت را داد که از باب همدردی، با آنها همنوایی کرده و بعضاً مطلبی نوشته یا اظهارنظری کنند. تا اینجا کار هیچ ایرادی ندارد؛ البته آوار پلاسکو آن قدر بزرگ و سهمگین بود که دیگر فرصتی به سیلزدگان سیستان، غبارزدگان خوزستان و کشته شدگان جاده ها و قطع شدن راه 400 روستا از برف سنگین یا کشته شدگان ناشی از بهمن جاده هزار داده نشد تا در خبرها حضور داشته باشند؛ به این دلیل که می شد پلاسکو را به عنوان یک سوژه انتخاباتی هم به کار گرفت یا اینکه پلاسکو در گوش جماعت فعال در رسانه ها و مسئولان سیاسی است که از قضا، مدتی دیگر باید در آوردگاه انتخاباتی شرکت کنند و مسلماً این بساط های سیاسی به دردشان می خورد اما سردشت، بسیار دور بوده، آن قدر که سال ها است کولبران، جان خود را در دست گرفته اند تا نانی برای معیشت خود به دست آورند و هیچ کس صدای فقر آنها را نمی شنود اما فارغ از های و هوئی رسانه ای و تلگرامی، به زعم من باید از حوزه سیاست گذاری رفاه، موضوع کولبری را تحلیل و این سؤال اساسی را طرح کرد که چرا جماعتی برای امرار معاش حاضر هستند جان خود را به خطر بیندازند و چرا دولت تا به حال، برای این پدیده، سیاستی را به کار نگرفته است؟

1- استان کردستان با مساحت ۲۸ هزار و ۲۰۳ کیلومتر در غرب ایران و مجاور با کشور عراق است. طول مرز استان کردستان با کشور عراق، حدود ۱۸۰ کیلومتر است. در حال حاضر، درآمد 6 میلیارد دلاری از محل مبادلات تجاری، از صادرات به کشور عراق، سهم مرز باشماق مربوان در استان کردستان است. مقایسه شاخص های توسعه اقتصادی استان کردستان با دیگر مناطق کشور، از وجود نابرابری در امر سرمایه گذاری و کم توجهی دولت به این مناطق حکایت دارد؛ برای مثال، در شاخص های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در رده های آخر استان های کشور قرار گرفته است. در سال ۱۳۹۴، درآمد سرانه استان فقط حدود 4,46 درآمد سرانه میانگین کشوری است و از حیث این شاخص، استان کردستان رتبه ۲۹ را در کل کشور به خود اختصاص داده است. از طرف دیگر، سهم استان کردستان از کل تولید ناخالص داخلی کشور در سال ۱۳۹۳، فقط حدود 95,0 درصد، یعنی کمتر از یک درصد بوده و از این لحاظ، حائز رتبه ۲۳ در کل کشور است.

همچنین میزان بیکاری استان، بالای ۲۰ درصد است. نبود سرمایه گذاری، کارخانه ها و سیاست های مشوق سرمایه گذاری در شهرهای کردستان با وجود پتانسیل های تجاری و گردشگری، شرایطی را فراهم کرده است که بیکاری و فقر در یک سیکل غیرباطل به هجوم بیکاران به کولبری، اجناس قاچاق و فرار از فقر منتهی شوند. این وضعیت، یعنی گسترش تجارت غیررسمی مرزی، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی بی شماری در پی داشته که همواره چه برای مردم و چه برای دولت، هزینه های سنگینی داشته است. از کشته شدن افراد کولبر حین آوردن کالا تا کشته شدن حیوانات باربر و مصادره کالا از سوی دولت، افزایش هزینه حفظ مرزها و کاهش ورود کالاها برای رشد اقتصاد، از جمله معضلات موجود در مرزهای غرب کشور است.

2- کولبری، پدیده ای تازه نیست. گزارش های مستند تاریخی نشان می دهند دست کم از دوران رضاشاه، یعنی از سال ۱۳۰۳

خورشیدی تاکنون، دولت‌ها و مقامات در پی مبارزه با کار مبادلات غیررسمی مرزی با عراق بوده‌اند. (در سال ۱۳۱۷، بیش از ۵۸ شهروند مربوطی و چنده نفر از اهالی مهاباد، بازداشت و به بهانه اشتغال در کار قاچاق مرزی کالا برای مدت سه سال به دیگر نقاط ایران و از جمله شیراز تبعید شدند). به معنای اقتصاد سیاسی، در دو سوی مرزهای غربی ایران، شبکه و ساختی از مناسبات اقتصادی و اجتماعی شکل گرفته و نهادینه شده است؛ بخشی در تأمین کالاها، بخشی در انبارکردن، بخشی در حمل ماشین، گروهی در حمل انسانی یا حمل با قاطر و اسب، بخشی دیگر در دلای، گروهی در خارج از مرزهای منطقه و در حال سفارش کالا و گروهی دیگر در حال تبادل ارزی و پولی و بخشی در حال توزیع محصولات، شبکه‌ای در گستره جغرافیایی بسیار وسیعی مستقر است. این شبکه مفصل اقتصادی- اجتماعی؛ البته که با برخورد انتظامی و امنیتی قابل حل و حذف نیست. باید با اتکا به داده‌های دقیق، از جمله حجم تجارت ناشی از این پدیده، مزیت‌های معیشتی کولبری برای خانواده‌ها، تأثیر حذف این شغل بر درآمد مستقیم جامعه هدف، بررسی جایگزین‌های درآمدی برای خانواده‌های درگیر، تبیین کولبری به مثابه یک عارضه اجتماعی یا اقتصادی و... بسته سیاستی جدیدی را برای حل موضوع ارائه و اجرا کرد.

3- کولبری به گمان بسیاری از پژوهشگران، متولد فقر است؛ از این حیث، باید به مثابه یک آسیب اجتماعی در دستور کار قرار گیرد زیرا بدون تردید، اول اینکه نوعی «قانون‌گریزی» محسوب می‌شود و دوم، در مناطقی فرصت رشد یافته است که به طور عمدی یا سهوی یا به دلیل انحراف در فرایند سیاست‌گذاری، محروم تلقی می‌شوند. به عبارتی، کولبران از سر سیری و بنابر تفریح، کولبری نمی‌کنند بلکه برای رفع نیاز اولیه، این کار پرمشقت را انجام می‌دهد. سوم، کولبری یک پدیده عیان و آشکار است، به عبارتی، مسئولان دولتی می‌دانند که کولبری به عنوان یک شغل وجود دارد ولی به دلایلی، برخوردی قاطع با این پدیده در دستور کار آنان قرار نمی‌گیرد؛ به این دلیل که مقابله انتظامی با آن امکان‌پذیر نیست و در صورت برخورد، عوارض اجتماعی سهمگینی خواهد داشت. به همین دلایل، یک آسیب اجتماعی ناشی از فقر خوانده می‌شود. فقر با بسیاری از مسائل و آسیب‌های اجتماعی، از جمله انواع هنجارشکنی‌ها و قانون‌گریزی‌ها ارتباط دارد؛ به طوری که وقتی جامعه‌شناسان و کارشناسان مسائل اجتماعی به بررسی علل و عوامل بروز آسیب‌های اجتماعی در جامعه می‌پردازند، در نهایت به فقر می‌رسند و از آن به عنوان مادر آسیب‌ها یاد می‌کنند. فقر در جامعه، به طور اساسی یک مشکل و آسیب است که کشش و زمینه بروز کجروی‌ها را در افراد ایجاد می‌کند. با وجود این، نباید گفت افراد فقیر، مشکل‌ساز هستند بلکه فقر به عنوان یک آسیب اجتماعی می‌تواند بستر بروز بسیاری از ناکامی‌ها باشد.

از سوی دیگر به قاعده عقلی، تمکن اقتصادی با عزت افراد، ارتباط مستقیم دارد. به عبارتی، بروز فقر در جامعه، به شخصیت و هویت فرد آسیب زده است؛ بنابراین فرد به ناچار برای فرار از این وضعیت، مجبور به پذیرش هر شغلی می‌شود. این تعبیر می‌تواند رابطه عقلانی «فقر» و «کولبری» را تبیین کند. در گزارش‌های مستند منتشرشده، افرادی با مدارک بالای تحصیلی به عنوان کولبر معرفی شده‌اند که برای گریز از فقر و محرومیت حاصل از آن و دسترسی به درآمد مناسب، رنج سنگین کولبری را به جان خریده‌اند تا با ناتوانی اقتصادی خود جدال کنند. از این حیث باید سیاست‌گذاران به فوریت، موضوع کولبری را در دستور کار قرار دهند تا از فوران یک آسیب دیگر در اجتماع جلوگیری شود.

4- برخی دیگر، کولبری را از زاویه اقتصادی صرف نگاه می‌کنند و از این حیث معتقد هستند با پدیده کولبری باید به شدت برخورد کرد؛ بنابراین نسخه تقابل امنیتی- نظامی را برای حل این بحران، پیچیده و البته در حال اجرا هستند. این گروه، واردات ناشی از کولبری را آسیب به نظام تجارت خارجی کشور می‌دانند و با پیش‌کشیدن موضوع «قاچاق» معتقد هستند تجارت ناشی از کولبری، تولید ملی را هدف قرارداده و باتوجه به اینکه حجم واردات ناشی از این پدیده ناشناخته است، این امر به ساماندهی تجارت خارجی آسیب جدی وارد می‌کند. این دیدگاه که کولبری و کارهای مشابه در مرزهای شرقی، جنوبی و غربی ایران را قاچاق و کولبران و کارگران مرزی درگیر در حمل بارهای گمرک‌نشده را قاچاقچی می‌خواند، چشم خود را به ابعاد اجتماعی و انحراف در سیاست‌گذاری در مناطق مرزی بسته است و عواملی مانند ضرورت تأمین معیشت و اجبار کارگران مناطق مرزی به این نوع شغل و همچنین این نکته که کولبران فقط حامل محموله قاچاق هستند و سود کلان ناشی از آن کالا را قاچاقچیان به جیب می‌زنند را در محاسبات خود نمی‌آورند.

5- از نظر حقوق شهروندی نیز موضوع، قابل بررسی است؛ برخی معتقد هستند، درجه پایین حقوق شهروندی افراد ساکن در مناطق مرزی، آنها را وادار کرده به شغل کولبری روی بیاورند و برخی آمارها در این زمینه غیرقابل باور است.

به گفته مسئولان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست‌جمهوری، نزدیک به 40 هزار نفر در استان‌های مرزی ایران از جمله استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان و آذربایجان غربی کولبری می‌کنند؛ 40 هزار نفر کولبر که خرج 40 هزار خانوار را درمی‌آورند و با توجه به پرجمعیت بودن خانواده‌های ساکن در این مناطق، این یعنی نزدیک به 200 هزار نفر از ساکنان مناطق مرزی در استان‌های مورد بحث از این طریق امرارمعاش می‌کنند. اگر دیدگاه صرف اقتصادی را برای این گروه جمعیتی متصور بدانیم، باید اعتراف کنیم گروه زیادی به صورت کاملاً آشکار، قاچاقچی هستند و نه تنها مسئولان اقدامی نمی‌کنند بلکه وقتی حادثه‌ای برایشان در مسیر غیرقانونی حمل کالای قاچاق پیش می‌آید، نوعی همذات‌پنداری عمومی در جامعه میان مدیران و مردم نیز ایجاد و با آنها همدردی می‌شود. حال سؤال اینجاست که اگر ادعا می‌کنیم قاچاقچی هستند، چرا در اتفاق آوارشدن بهمین با آنها همنوایی می‌شود و اگر نیستند، پس چرا به صورت قانونی و با حفظ کرامت انسانی‌شان با آنها برخورد نمی‌شود و با اتخاذ سیاست‌هایی غلط، جمعی از شهروندانمان را به اقدام غیرقانونی در کوه‌ها و مسیرهای صعب‌العبور سوق داده‌ایم. به زعم نگارنده، هرکدام از دیدگاه‌های فوق را بپذیریم، باید مشکل را از جای دیگری دنبال کرد. مسئله این است که مناطق مرزی ایران در شمال غرب از آذربایجان غربی تا ایلام و جنوب شرقی ایران، جزء توسعه نیافته‌ترین مناطق ایران هستند و داده‌های آماری نشان می‌دهند، این مناطق در همه شاخص‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی از مناطق مرکزی ایران، محروم‌تر هستند. درآمد سرانه، پایین‌تر از درآمد سرانه کشوری، سهم ناچیز در تولید ناخالص ملی، بالاترین نرخ بیکاری در کشور و نرخ رشد اقتصادی منفی، تعطیلی واحدهای صنعتی در این مناطق و فقدان سرمایه‌گذاری‌های جدید از جمله شاخصه‌ها و نشانه‌هایی هستند که حکایت از توسعه نیافتگی اقتصادی ساختاری در این مناطق می‌کنند. به عبارتی، فقر

ایجاد شده از سیاست گذاری غلط، موجب شده در این مناطق، تولید آسیب اقتصادی و اجتماعی شود. نگاه غلط به اقوام در مرزها، امنیتی دیدن مناطق مرزی، جغرافیای نادرست توسعه یافتگی و تبعیض های ناروا از جمله مسائل احتمالی هستند که در تدوین سیاست گذاری جدید، باید برای اصلاح آنها تأمل کرد.
*پژوهشگر و تحلیل گر سیاسی

برچسب ها: [کولبری](#) [1]